

تاریخ: ۹۶/۱۰/۱۰

موضوع: مباحثی پیرامون جنایات وحشیانه یزید در مکه مکرمه

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على فاطمة و أبيها و بعلمها و بنبيها و السرّ المستودع فيها بعدد ما أحاط به علمك

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

با نام و یاد خدای عزیز و بخشنده و مهربان کلام را آغاز می‌کنیم که نامش بهترین نام‌ها و یادش آرامش جان‌ها و دل‌هاست. اهالی «شبکه جهانی ولایت» برنامه زنده «حبل المتین» خدمت شما سلام عرض می‌کنم، شب شما بخیر و خوشی و سلامتی باشد.

در هرکجای این عالم که هستید و در هرکجای ایران اسلامی شمال و جنوب و شرق و غرب و مرکز، بهترین‌ها را برایتان آرزومندم و امیدوارم که شب آرامی را داشته باشید.

خدا را شاکرم که باز هم توفیق داد خدمت شما برسیم تا از این شبکه نورانی و بافضیلت، شبکه‌ای که به نام نامی مولا و آقایمان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) مزین است در خدمت شما باشیم و باز هم به شما سلام بگوییم.

آقای کیا زحمت می‌کشند و راه‌های ارتباطی را برای شما زیرنویس می‌کنند. «۳۰۰۰۱۲۰۳» سامانه پیام کوتاه «شبکه جهانی ولایت» است. همچنین شماره‌ای در فضای مجازی در اختیارتان قرار دارد تا با برنامه‌های واتس آپ، تلگرام و وایبر برای ما پیام بدهید.

شما می‌توانید از این طریق حرف‌های دلتان را بنزید و در مورد موضوع برنامه اگر نکته یا مطلبی به ذهنتان رسید ما با افتخار پذیرا هستیم.

امشب هم توفیق داریم در محضر استاد بزرگوارمان حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی باشیم. جناب استاد سلام
علیکم و رحمة الله.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این
گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند و یا تکرار برنامه را می بینند، خالصانه ترین سلامها را تقدیم می کنم. خدا را به آبروی
حضرت محمد و آل محمد سوگند می دهیم فرج مولایمان حضرت بقية الله الأعظم را نزدیک نموده و همه ما را از یاران
خاص آن بزرگوار قرار بدهد. از خداوند متعال می خواهیم دغدغه های فکری همه ما و شما گرامیان را برطرف سازد،
دعاهای ما را به اجابت برساند و حوائج ما را برآورده سازد؛ ان شاء الله.

مجری:

ان شاء الله، الهی آمین. ان شاء الله همه این دعاها در حق همه ما مستجاب شود. دوستان عزیز بیننده اگر در ذهن
شریفتان باشد ما در برنامه زنده «حبل المتین» یکشنبه شب هایمان در مورد جنایات یزید ملعون و پلید صحبت
می کردیم.

همچنین دفاعی که امروزه شبکه های وهابی و در گذشته «ابن تیمیه» و اعوان و انصار او از این ملعون داشتند را مورد
بحث و بررسی قرار دادیم. ان شاء الله امشب هم با این بحث در خدمت شما دوستان بیننده و همچنین استاد عزیزمان
خواهیم بود.

با توجه به اتفاقاتی که در گوشه و کنار ایران اسلامی رخ داده است، ما در شب های جمعه بحث «اخلاق علوی» را داشتیم
و از نگاه مولا و آقایان امیرالمؤمنین مطالبی را از زبان استاد می شنیدیم.

وظیفه ما به عنوان شیعه و محب و به عنوان کسی که در مسیر مولا امیرالمؤمنین هستیم، در همه مراحل زندگی
مشخص شده است که چه کار باید کنیم و وظیفه ما چیست.

یکی از مسائل و مصادیق اتفاقاتی که در گوشه و کنار ایران اسلامی رخ داده است، فتنه است. در همین موضوع هم وجود نازنین امیرالمؤمنین مطالب بسیار ارزشمندی را دارند.

حضرت وظیفه ما را مشخص کردند که اگر در بین مؤمنین، مسلمین و شیعیان فتنه‌ای برپا شد هرکدام از ما چه وظیفه‌ای داریم و باید چه کنیم. اگر جناب استاد صلاح بدانند برای شروع به این موضوع پردازیم تا ان شاءالله مباحث هفته گذشته خود را دنبال خواهیم کرد.

موضوع: مباحثی پیرامون فتنه اخیر دشمنان در ایران اسلامی

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله أفوض أمری إلی الله إن الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر رب أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق و اجعلنی من لدنک سلطانا نصیرا

در رابطه با فتنه اخیر که شروع شده مطالبی را بیان می‌کنیم، البته «شبکه جهانی ولایت» شبکه‌ای سیاسی نیست و ما هم سیاستمدار نیستیم و نمی‌خواهیم از بُعد سیاسی به قضیه پردازیم. شبکه‌های شیطانی وهابی صهیونیستی از مدت‌ها پیش مسلمانان را تحریک می‌کردند تا اختلاف شیعه و سنی در ایران به راه بیندازند و مردم را به تظاهرات علیه نظام تشویق می‌کردند. وهابیت رسماً اعلام می‌کردند که هدف ما براندازی نظام جمهوری اسلامی است. یکی از کارشناسان وهابی با کمال وقاحت می‌گوید:

"ای جوانان و ای ایرانیان! شما برای مبارزه با داعش نروید و به داعش در سوریه و عراق بیبوندید. جهاد اکبر در ایران است؛ در ایران در برابر نظام جمهوری اسلامی بایستید و حتی در توالت‌ها شعار بنویسید!"

در این مدت بیست روز تمامی شبکه‌های وهابی مرتب این فتنه را پخش می‌کنند و جالب اینجاست و بینندگان عزیز هم استحضار دارند که یک مرتبه صد نفر یا دویست نفر در یک جا جمع شدند و تنها شش یا هفت نفر شعار می‌دهند، نه توده مردم.

البته من خدمت عزیزان عرض می‌کنم اگر مردم در رابطه با گرانی و تزییع حقوق خود خواسته‌های مشروع و قانونی دارند، حق مسلم مردم است که از راه‌های قانونی و مسالمت آمیز برای احقاق حقشان قیام کنند و از دولت‌مردان سؤال کنند. این حق مسلم هر انسانی است و در آن هیچ شکی نیست، اما اینکه در این قضایا خدای ناکرده چند تن از مسلمانان متدین برای احقاق حق خود می‌خواهند از طریق تظاهرات و تجمع اقدام کنند راهی اشتباه است. راه‌های قانونی برای این کار وجود دارد، اما یک سری فتنه‌گران در این زمینه از این قضایا سوء استفاده می‌کنند و لازم است عزیزان ما در این زمینه مقداری بیشتر دقت کنند.

همانطور که حضرتعالی هم اشاره کردید، امیرالمؤمنین خود گرفتار فتنه شد. آقای «بخاری» در کتاب «تاریخ صغیر» صفحه ۹۸ و ۱۱۸ از دوران پنج ساله خلافت امیرالمؤمنین به "دوران فتنه" تعبیر می‌کنند.

اگر ما مسلمانان واقعاً تابع امیرالمؤمنین هستیم باید به دستورات آن بزرگوار عمل کنیم. شیعه معتقد است امیرالمؤمنین به عنوان خلیفه اول و منصوب از طرف نبی گرامی اسلام به امر الهی انتخاب شده‌اند. عزیزان اهل سنت هم معتقدند امیرالمؤمنین خلیفه چهارم است.

مشاهده کنید امیرالمؤمنین به ما چه هشدارهایی در رابطه با فتنه و فتنه‌گران می‌دهد. حضرت در جایی می‌فرمایند:

«قَدْ لَعَمْرِي يَهْلِكُ فِي لَهَبِ الْفِتْنَةِ الْمُؤْمِنُ وَ يَسْلَمُ فِيهَا غَيْرُ الْمُسْلِمِ»

به جان خودم قسم در شعله‌های آتش فتنه‌ای که شروع می‌شود مؤمن می‌سوزد و دشمنان اسلام سالم می‌مانند.

عیون الحکم و المواعظ، نویسنده: لیثی واسطی، علی بن محمد، محقق / مصحح: حسنی بیرجندی، حسین، ص

خیلی تعبیر عجیبی است! عزیزان شیعه و اهل سنت متوجه فتنه‌هایی که از آن طرف آب حمایت می‌شود، باشید. بنده امروز در فضای مجازی مصاحبه یکی از فتنه‌گرانی که در قزوین دستگیر کردند را می‌دیدم. او می‌گفت: "یک ماه قبل از طریق بعضی از شبکه‌های معاند با ما تماس گرفتند و اطلاع دادند یک ماه دیگر در قزوین و شهرهای دیگر اتفاقاتی خواهد افتاد. شما ۱۶ نفر هستید و مدیریت این فتنه به عهده شماست.

در فلان منطقه شعار بدهید و تلاش کنید مأمورین به شما معترض شوند و فیلم بگیرید تا ما پخش کنیم." کاملاً مشخص است در این فتنه کسی که سالم می‌ماند، دشمنان اسلام هستند که آن طرف نشستند و کاری ندارند. اگر گرفتاری و مشکلاتی هم به وجود بیاید برای بچه مسلمانی اتفاق می‌افتد که از آن‌ها فریب را خورده است.

بنده بارها گفتم که نعمت امنیت در جمهوری اسلامی و کشور ایران از بالاترین نعمت‌های خداوند عالم است. دشمنان اسلام در هر لباسی هستند که یکی از آن‌ها وهابیت تکفیری است، می‌خواهند این نعمت امنیت را از ما بگیرند.

عزیزان، پدران، مادران، جوانانی که فریب خوردید! اگر این نعمت از ما گرفته شود، چنین نیست که در فتنه ما را استثناء کنند و فردا بگویند به دلیل اینکه این شخص یکی از عوامل ما بوده است باید سالم باشد. حضرت امیرالمؤمنین در تعبیر دیگری می‌فرمایند:

«مَنْ أَتَاكَ كَامِنَ الشَّرِّ كَانَ فِيهِ عَطْبُهُ»

کسانی که فتنه نهان را می‌شورانند، به همان فتنه هلاک خواهند شد.

عیون الحکم و المواعظ، نویسنده: لیتی واسطی، علی بن محمد، محقق / مصحح: حسنی بیرجندی، حسین، ص

۴۳۹، ج ۷۶۲۵

حضرت در تعبیر دیگری می‌فرمایند:

«مَنْ شَبَّ نَارَ الْفِتْنَةِ كَانَ وَقُوداً لَهَا»

کسانی که آتش فتنه را شعله‌ور می‌کنند، خود هیضم آن فتنه خواهند شد.

تصنيف غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی،

مصطفی، ص ۶۶۶، ح ۱۰۶۷۷

عزیزان و جوانان بزرگوار! من از شما تقاضا می‌کنم به این نکته دقت کنید. یک مرتبه انسان برای یک حق مسلم سر و صدا می‌کند و به حق خود می‌رسد یا نمی‌رسد، اما یک مرتبه بحث براندازی یک نظام است.

در هیچ کجای دنیا اعم از حکومت‌های اسلامی و غیر اسلامی موضوع براندازی را بر نمی‌تابند و با تمام توان به میدان می‌آیند. طبق تعبیر امیرالمؤمنین در فتنه‌های براندازی کسانی که آتش فتنه را شعله‌ور می‌کنند، خودشان هیزم این فتنه خواهند شد. وقتی جوانی در قضیه‌ی براندازی دستگیر شد، پرونده‌ای علیه او درست می‌شود و برچسبی به او می‌زنند که برچسب براندازی یک نظام است.

ای پدر و ای مادر! اگر فردا چنین برچسبی به عزیز و نور چشم و پاره تن شما زده شد، آیا می‌دانید دیگر در این کشور جایی برای زندگی کردن و حتی گرفتن یک پروانه کسب ندارد.

تعبیر امیرالمؤمنین تعبیر بسیار زیبایی است. حضرت می‌فرماید: کسانی که آتش فتنه را شعله‌ور می‌کنند به خود همان شعله هلاک می‌شوند و هیزم همان فتنه خواهند شد.

امیرالمؤمنین در کتاب «نهج البلاغه» حکمت شماره یک وظیفه ما را مشخص می‌کند و می‌فرماید:

«كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابِنِ اللَّبُونِ لَا ظَهْرَ فَيْرُكَبَ وَلَا ضَرْعَ فَيُخَلَبُ»

در فتنه‌ها چونان شتر دو ساله باش، نه پشتی دارد که سواری دهد و نه پستانی تا او را بدوشد.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۴۶۹، ح ۱

حضرت دستور می‌دهند که در فتنه‌ها آگاه باشید و بصیرت داشته باشید و همانند شتر دو ساله باشید.

معنای این جمله امیرالمؤمنین این نیست که در فتنه کنار بنشینید، بلکه حضرت می‌فرماید: در فتنه نگذارید و اجازه ندهید فتنه‌گران بر شما سوار شوند و از شما سواری بگیرند. در فتنه اجازه ندهید که فتنه‌گران شما را بدوشند و وسیله رسیدن به اهداف شومشان باشید.

وظیفه ما بصیرت داشتن است! بنده تنها یک جمله می‌گویم و تقاضا دارم عزیزان خوب دقت کنند. از «مقداد» سؤال کردند که در لحظه هجوم به خانه حضرت فاطمه زهرا کجا بودی و چه می‌کردی؟!

«مقداد» جواب داد و گفت: من خود شاهد و ناظر جریان بودم، اما از طرف حضرت امیرالمؤمنین مأمور به سکوت بودم. یک دستم در قبضه شمشیر و چشمم در چشم علی بود و منتظر اشاره آن بزرگوار بودم.

در زمان فتنه ما باید تلاش کنیم و ببینیم در داخل کشور نظر مراجع عظام تقلید چیست. ما در تمام عبادات و حتی مسائل سیاسی باید از مراجع بزرگوارمان و رهبری تبعیت کنیم.

ما باید چشممان به رهبری و مرجعیت باشد و اگر آن‌ها اشاره کردند از آن بزرگواران که نایب حضرت ولی عصر (اروحنا فداه) هستند و دین و آخرتمان را از این بزرگان می‌گیریم، ببینیم آن‌ها چه دستوری می‌دهند. دستور از آن‌ها و اطاعت از ما باشد!

همان تعبیر «مقداد» که می‌گوید: "دستم به شمشیر و چشمم به چشم امیرالمؤمنین بود و منتظر اشاره حضرت بودم"، باید در اینطور قضایا ببینیم اعظم ما، بزرگان ما و کسانی و تمام مسائل را می‌بینند و حقایق را رصد می‌کنند چه دستوری به ما می‌دهند.

فتنه‌گران مخصوصاً وهابیت تکفیری یقین داشته باشند این آرزو را به گور می‌برند که بخواهند در ایران ناامنی ایجاد کنند، امنیت کشور را به هم بریزند و به آرزوی ننگین و نحسشان برسند.

نکته دیگر این است که من از همه عزیزان و بینندگان عزیز اعم از شیعه و سنی خواهش می‌کنم مقداری فکر و تأمل کنند و ببینند در این کشورهایی که وهابیت با حمایت مالی و نظامی ناامنی ایجاد کردند چه اتفاقی افتاد. هم شیعه سوخت و هم سنی سوخت!

دشمنان در این کشورها جنایاتی کردند که جنایاتشان در طول تاریخ نظیر نداشت. من تنها لیست بعضی از سایت‌ها را می‌دهم و به آن‌ها اشاره می‌کنم و دیگر کلیپ آن را پخش نمی‌کنم، زیرا کلیپ خیلی دلخراش است.

دوستان عزیز در سایت «alalam.ir» وارد شده است: "عناصر گروه تروریستی داعش در اقدامی وحشیانه پس از کشتن چند کودک، آن‌ها را پختند و به مادرانشان خوراندند." دوستان نتیجه تبعیت از شبکه‌های وهابی و ماهواره‌های شیطانی وهابی همین است.

مجری:

آن‌ها وقتی بیایند و حمله کنند همه را از دم نابود می‌کنند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آن‌ها کاری ندارند که طرف مقابل شیعه است یا اهل سنت است، بلکه همه را یک جا نابود می‌کنند.

در توضیح این خبر وارد شده است که وقتی غذا و گوشت برای آن‌ها آوردند، مادرانشان تقاضا کردند که فرزندانمان را هم بیاورید تا با ما غذا بخورند. عناصر داعش در جواب این درخواست گفتند که آن‌ها هم اکنون گوشت فرزندانمان را خوردند.

فیلم این خبر هم موجود است، اما همانطور که عرض کردم به دلیل اینکه فیلم این خبر خیلی دلخراش است من از پخش فیلم معذورم.

بنده خبر دیگری را می‌آورم و دیگر از توضیح آن عذرخواهی می‌کنم، زیرا اصلاً نمی‌توانم آن را بیان کنم. دوستان عزیز خودشان بخوانند که تعبیر چیست، زیرا تصویر و فیلم آن هم موجود است. بنده واقعاً از خواندن این خبر خجالت می‌کشم. ده‌های قضایای دیگر هم در این زمینه وجود دارد.

در خبر دیگر وارد شده است که گروه داعش پیرمرد هشتاد یا نود ساله را به همراه سی‌الی‌چهل جوان به رگبار می‌بندند، علی‌رغم اینکه آن‌ها التماس می‌کردند ما مسلمانیم و «لا إله إلا الله» می‌گوییم. واقعاً قلب انسان به درد می‌آید.

آن‌ها در روز عید قربان حدود پنجاه یا شصت جوان شیعه و سنی را می‌آوردند، آن‌ها را سر می‌برند و جنازه‌هایشان را همانند قصاب از طناب آویزان می‌کنند و شروع به پوست‌کندن آن‌ها می‌کنند و می‌گویند: خدایا این قربانی را از ما قبول کن!

دوستان عزیز، برادران بزرگوارم، سروران عزیزم، جوانان عزیز! شما عزیزان ما و پاره تن این کشور هستید و ما شما را دوست داریم. عزیز سنی و عزیز شیعه والله ما شما را دوست داریم. کاری نکنید که خدای ناکرده به تعبیر حضرت امیرالمؤمنین فتنه‌گران بر شما سوار شوند و برای رسیدن به اهدافشان شما را بدوشند. وقتی که فتنه‌گران بر شما سوار شدند همین سرنوشتی که در عراق و سوریه برای عزیزان شیعه و سنی اتفاق افتاد، برای شما اتفاق خواهد افتاد. در حال حاضر در عراق طبق آمار رسمی افرادی که از عزیزان اهل سنت کشته شدند، به مراتب بیش از افرادی است که از شیعه کشته شدند.

بنابراین ما باید تلاش کنیم با الهام از سخنان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در اینطور قضایا

«كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابْنِ اللَّبُونِ لَا ظَهْرَ فَيْرَكَبَ وَلَا ضَرْعَ فَيُخَلَبُ»

سید رضی، نهج البلاغه، خطب الامام علی علیه السلام، ج ۴، ص ۳، تحقیق: شرح: الشیخ محمد عبده، ناشر: دار الذخائر - قم - ایران، چاپخانه: النهضة - قم، چاپ: الأولى ۱۴۱۲ هـ.

را به کار ببندیم و نباید در فتنه کنار بنشینیم و کاری نداشته باشیم.

نه امیرالمؤمنین این چنین بودند و نه یارانشان! یاران امیرالمؤمنین نه به فتنه‌گران سواری دادند و نه اجازه دادند که برای رسیدن به اهدافشان آن‌ها را بدوشند، بلکه منتظر مولا و امام و آقایان امیرالمؤمنین بودند.

روزی که حضرت دستور به سکوت داد همه ساکت شدند و روزی که امیرالمؤمنین فرمان دادند دست به شمشیر بزنید دست به شمشیر زدند. یاران امیرالمؤمنین در قضیه جمل، نهروان و صفین منتظر بودند که مولایشان امیرالمؤمنین چه دستوری می‌دهند.

بنده خواستم نکاتی از فرمایشات دربار و نورانی امیرالمؤمنین را برای عزیزانمان بیان کنم. عزیزان و جوانان ما فریب شیاطین را نخورند و خودشان را در این فتنه نابود نکنند.

مجری:

بسیار عالی، بنده از شما متشکرم. همه دشمنان ایران با عزت اسلامی، اعم از وهابیت ملعون و پلید و آل سعود و شجره ملعونه خبیثه و شبکه‌های وهابی که جوجه و نوچه هستند و عددی نیستند تا بزرگانشان استکبار جهانی بدانند که این کشور، کشور امیرالمؤمنین است. این کشور، کشور امام زمان است و جوانان و مردم آن بچه شیرهای امیرالمؤمنین هستند. شیعه‌هایی که به هیچ قیمتی دست از نظام و انقلاب و کشوری که به نام اهل بیت عصمت و طهارت است، بر نمی‌دارند. ان شاء الله شما باز هم خواهید دید که ملت ایران اسلامی از این فتنه سربلند بیرون خواهد آمد و آن‌ها بینی‌شان به خاک مالیده خواهد شد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما بارها گفتیم که کاری با مسائل سیاسی نداریم، اما ایران تنها کشور کره زمین است که ایام محرم و صفر عزاداری سیدالشهدا و عشق و علاقه به اهل بیت در رسانه‌های داخل و خارج باشکوه‌تر از سال گذشته پخش می‌شود.

ایران تنها کشوری است که در ایام فاطمیه شهادت حضرت صدیقه طاهره و عزاداری حضرت فاطمه زهرا از بیوت مراجع و رهبری گرفته تا حسینیه‌ها و تکایا و کف خیابان‌ها برگزار می‌شود و عشق به حضرت فاطمه زهرا به نمایش گذاشته می‌شود.

دشمنان این سرزمین و دشمنان این مردم یقین داشته باشند که اهل بیت (سلام الله علیهم اجمعین) قطعاً حمایت خاص خودشان را در این قضایا اعمال می‌کنند و این فتنه‌ها و فتنه‌گران را رسوا و مفتضح خواهند کرد.

مجری:

عزیزی می‌گفت: کاری نکنید که ما هیئت و دسته عزاداری خود را بیاوریم جایی که شما شورش می‌کنید و اغتشاش می‌کنید برگزار کنیم. ما بچه شیعه‌های امیرالمؤمنین و نوکران ابا عبدالله الحسین هستیم، اگر ادامه بدهید دسته

عزاداری ، هیئت ، مجلس و محفل خود را کف خیابان همان جایی که شما اغتشاش می‌کنید برپا می‌کنیم و شما را نابود می‌کنیم.

ان‌شاءالله این اتفاق به زودی بیفتد و آن‌ها دستشان از دامن این انقلاب و این نظام و مملکتی که به اسم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، کوتاه شود. بخش کوتاهی ببینیم و برمی‌گردیم، در محضر استاد برنامه خود را ادامه می‌دهیم.

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية مولانا امير المؤمنين و الأئمة المعصومين (عليهم السلام)

عشق و ارادت و محبتی که به وجود نازنین آقاچانمان و مولایمان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) دارید، گوارای وجودتان باشد.

الهی همیشه پای مولا بایستیم، همیشه در مسیر مولا باشیم و همیشه کاری کنیم که دل نازنین امیرالمؤمنین از دست ما راضی باشد. کاری کنیم که امیرالمؤمنین روز قیامت سر خود را بالا بگیرد و بفرماید که این‌ها شیعیان، محبین، پیروان و رهروان من بودند. خدا نکند من شیعه کاری کنم که باعث خجالت مولا و آقایم امیرالمؤمنین باشم.

ما همچنان در خدمت شما هستیم و راه‌های ارتباطی هم مرتب برای شما زیرنویس می‌شود تا ان‌شاءالله در فرصتی مناسب من پیام‌های شما را بخوانم.

جناب استاد همانطور که ابتدای برنامه هم عرض کردم، ما در برنامه‌های گذشته در مورد جنایات یزید ملعون پلید و پست صحبت کردیم.

یکی از بزرگ‌ترین جنایات او واقعه کربلا و شهادت حضرت سیدالشهدا و اصحاب و یاران آن حضرت و اسارت آل الله بود. بعد از آن واقعه حره و حمله به مدینه و جنایات و کشتاری که در مدینه مرتکب شده است که حضرت تعالی مفصل در مورد این موضوع صحبت کردید.

یکی دیگر از جنایات یزید ملعون به آتش کشیدن خانه خدا کعبه مکرمه و معظمه بود. اگر ممکن است نقش یزید را در آتش زدن خانه کعبه بفرمایید و قدری توضیح بفرمایید.

شبکه‌های وهابی مخصوصاً در شبکه‌های عربی در دفاع از یزید بن معاویه او را امیرالمؤمنین معرفی می‌کنند و حتی ولیی از اولیاء و خلیفه‌ای از خلفا می‌دانند و بیعت او را شرعی معرفی می‌کنند به طوری که بسیاری از علمای بزرگ اهل سنت دادشان درآمده است.

افرادی مانند «عدنان ابراهیم» به میدان آمدند و از دفاع نادرست و بی‌شرمانه بعضی از بزرگان وهابی از یزید بن معاویه فریادشان درآمده است. مگر عاقلی می‌تواند بیاید از یزید با جنایاتش دفاع کند، کتاب بنویسد یا برنامه برود.

ما در گذشته برنامه‌هایی را داشتیم که «ابن تیمیه» به صراحت اعلام کرد: ایشان خلیفه‌ای از خلفا بود و ملکی از ملوک بود. درست است که سیئاتی داشت، اما حسناتی هم داشت! از کجا معلوم که حسنات او سیئات او را برطرف نکند!

خیلی عجیب است که این افراد با آن جنایات با کمال وقاحت اعلام می‌کنند که او حسنات و سیئاتی داشته است. اگر بنابراین باشد «فرعون» و «شداد» هم چنین نبود که تمام کارهای او جنایت باشد. آن‌ها یک سری کارهای خوبی هم انجام می‌دادند. همینطور «هیتلر» چنین نبود که تمام کارهای او جنایت باشد، بلکه کارهای خوبی هم در کنار جنایات خود انجام می‌داد. اگر چنین باشد، باید از بسیاری آیات قرآن کریم صرف نظر کنیم.

این افراد در مدینه جنایات زیادی را انجام دادند؛ هفتصد نفر از صحابه و مهاجرین و انصار و اشراف را کشتند، ده هزار نفر از افراد عادی را کشتند، به نوامیس مردم تجاوز کردند، هزاران دختر باکره را مورد تجاوز قرار دادند و آن‌ها فرزند نامشروع در مدینه النبی به دنیا آوردند.

با تمام این قضایا این آقایان از یزید چنین دفاع می‌کنند. آقای «ابن حجر عسقلانی» در این زمینه در کتاب «لسان المیزان» جلد ششم صفحه ۲۹۴ می‌گوید:

زمانی که معاویه در سال ۶۰ هجری از دنیا رفت، یزید روی کار آمد. «عبدالله بن عمر» و امام حسین (علیه السلام) با او بیعت نکردند و اهل مدینه هم از بیعت با او سرپیچی کردند. او به «مسلم بن عقبه» دستور داد در مدینه جنایاتی را مرتکب شد.

«وَقَتَلَ مِنْهُمْ خَلْقًا كَثِيرًا مِنَ الصَّحَابَةِ وَابْنًاؤَهُمْ وَسَبَقَ أَكْبَرُ التَّابِعِينَ وَفَضْلَاءَهُمْ»

انسان‌های زیادی از صحابه، فرزندان صحابه، اکابر تابعین و فضیای تابعین در قضیه حره کشته شدند.

«وَاسْتَبَاحَهَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ نَهْيًا»

و سه شبانه روز زنان مدینه را بر سپاهیان یزید مباح کردند.

«ثُمَّ تَوَجَّهَ إِلَى مَكَّةَ لِحَرْبِ ابْنِ الزَّبِيرِ»

سپس برای نبرد با عبدالله بن زبیر به مکه رفتند.

بعد از قضیه مدینه و ارتکاب جنایات به دستور یزید سپاه به طرف مکه حرکت کردند تا «عبدالله بن زبیر» را که در مکه حکومت اعلام کرده بود و خود را خلیفه مسلمین قلمداد می‌کرد و در برابر یزید ایستادگی کرده بود را نابود کنند.

در میان راه «مسلم بن عقبه» به درک واصل شد و او قبلاً «حصین بن نمیر» را فرمانده سپاه کرده بود. «مسلم بن عقبه» قبلاً به او گفته بود که اگر من کشته شدم و اتفاقی افتاد، فرماندهی به عهده تو هست. آن‌ها به مکه آمدند؛

«فَحَاصِرُ ابْنِ الزَّبِيرِ»

ابن زبیر را محاصره کردند.

آن‌ها نتوانستند وارد مکه شوند، زیرا سپاهیان عبدالله بن زبیر مقاومت کردند.

«وَنَصَبُوا الْمَنْجَنِيْقَ عَلَى الْكَعْبَةِ»

آن‌ها بالای کوه منجنیق گذاشتند و از این طریق سنگ‌ها و آتش‌پاره‌هایی را به طرف کعبه پرتاب می‌کردند.

«فَوَهَّتْ أَرْكَانُهَا ثُمَّ احْتَرَقَتْ»

دیوارهای کعبه نابود شد و کعبه به آتش کشیده شد.

این حرف ما نیست، بلکه «ابن حجر» آن را می‌گوید. در این حین خبر مرگ یزید و به درک واصل شدن این جنایتکار روشن شد. بعد از آن «مروان بن حکم» آمد و خود را به عنوان خلیفه معرفی کرد.

«فکان ما کان»

بعد از او هم یک سری اتفاقاتی افتاد.

لسان المیزان، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات - بیروت - ۱۴۰۶ - ۱۹۸۶، الطبعة: الثالثة، تحقیق: دائرة المعارف النظامية - الهاند -، ج ۶، ص ۲۹۴،

ح ۱۰۵۰

«ابن منظور» در کتاب «مختصر تاریخ دمشق» همین قضیه را مطرح می‌کند، سپس می‌گوید:

بعد از جنایاتی که سپاهیان یزید در مدینه انجام دادند، به طرف مکه حرکت کردند. در آنجا «حصین بن نمیر» با «عبدالله بن زبیر» مقاتله کرد. تمام خیمه‌هایی که در کنار بیت الله الحرام زده بودند و مردم به آنجا پناه برده بودند، آتش گرفت و پرده کعبه و دیوارهای کعبه آتش گرفت.

آقای «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «فتح الباری» جلد سوم این قضایا را مفصل مطرح می‌کند و می‌نویسد که آن‌ها از ناحیه یزید بن معاویه آمده بودند برای سرکوب «عبدالله بن زبیر» و با منجیقی که به کار بردند دیوارهای کعبه خراب و آتش گرفته شد.

این آقایان از کسی حمایت می‌کنند که نه به فرزند پیغمبر اکرم رحم کرد، نه به صحابه و تابعین رحم کرد، نه به مسجد النبی رحم کرد و نه به مکه مکرمه رحم کرد!

بیت الله الحرام برای همه مقدس و محترم است. زمانی که یزید آنجا را به آتش می‌کشد و این جنایت را مرتکب می‌شود، آیا دیگر راهی وجود دارد که افرادی همانند «ابن تیمیه» و امثال او از این شخص دفاع کنند؟!

آیا دیگر راهی وجود دارد که او را خلیفه‌ای از خلفا بدانند و جزء خلفاء مبشره از طرف پیغمبر اکرم محسوب کنند؟!

انسان واقعاً حیران می‌ماند! زمانی که انسان تاریخ را مطالعه می‌کند، گاهی اوقات از مطالعه خود پشیمان می‌شود. وقتی که انسان مطالعه می‌کند و حقایقی را می‌بیند قلب انسان به درد می‌آید. جنایت در دنیا زیاد بوده است. ما از جنایت این افراد قلبمان به درد نمی‌آید، اما اینکه افرادی جنایات آن‌ها را توجیه می‌کنند و از آنها دفاع می‌کنند واقعاً قلب انسان را به درد می‌آورد.

من نمی‌دانم این افراد انسان هستند یا نیستند؟! به عنوان یک انسان یهودی یا مسیحی یا کمونیست آیا اگر کسی از افرادی همانند یزید دفاع کند، نباید در انسانیت او شک کرد؟! انسان واقعاً نمی‌داند چکار کند!

ان‌شاءالله بنده عرض خواهم کرد که یکی از بزرگان اهل سنت معتقد است که می‌شود یزید را لعنت کرد و «حجاج بن یوسف» هم اضافه بر اوست. همانطور که لازم است ما یزید را لعن کنیم، «حجاج بن یوسف» هم کمتر از یزید نبود و باید او را هم لعنت کنیم.

او سپس می‌گوید: بنده خدایی به طلاق زن خود قسم خورده بود بر اینکه «حجاج بن یوسف» در آتش جهنم است. سابقاً رسم بود که به طلاق زن خود قسم می‌خوردند. مثلاً او گفته بود: زن من سه طلاقه اگر «حجاج بن یوسف» در آتش جهنم نباشد.

طبق فتوای آقایان اگر چنین باشد، زن او مطلقه ثلاثه است، به طوری که هیچوقت نمی‌تواند با او زندگی کند. نزد یکی از فقها آمد و گفت: من چنین قسمی خوردم چه کنم؟ آن‌ها معتقدند که بعد از این همسر تو بر تو حرام است و اگر بخواهی با او نزدیکی کنی زنا محسوب می‌شود. طرف مقابل به او جواب زیبایی داد. در کتاب «عیون الاخبار» اثر «ابن قتیبه دینوری» وارد شده است:

«حلف رجل بالطلاق الثلاث أن الحجاج فی النار»

مردی به سه طلاق همسر خود قسم خورد که حجاج در آتش است.

«فسأل فقیها فقال الفقیه أمسک زوجتك»

او از فقیهی سؤال کرد و فقیه گفت: هیچ نگران نباش، زیرا همسر تو بر تو حلال است.

«فإن الحجاج إن لم يكن مع أفعاله في النار فلا يضرک الزنا»

اگر قرار باشد حجاج با آن جنایاتی که داشت در آتش نرود، اگر تو هم با همسر خود زنا کنی در آتش جهنم نخواهی رفت!

الدینوری، ابومحمد عبد الله بن مسلم ابن قتیبة (متوفای ۲۷۶هـ)، عیون الأخبار، ج ۲، ص ۲۶۷، ناشر: منشورات محمد علی بیضون - دار الکتب العلمیة الطبعة: الثالثة، ۱۴۲۴ - ۲۰۰۳م

جواب او جواب بسیار زیبایی است! زمانی که این افراد از چنین انسان پست و رذلی دفاع می‌کنند، واقعاً قلب انسان به درد می‌آید. از طرف دیگر حضرت امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«فَصَبْرُتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْخَلْقِ شَجَا أَرَى تُرَائِي نَهْبًا»

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۴۸، خ ۳

«ابن تیمیه» و اتباع او چه جنایاتی ایجاد می‌کنند. اگر امیرالمؤمنین سلام الله علیه در قضیه خوارج نهروان دستور می‌دهد چهار هزار نفر فتنه‌گر را در یک روز می‌کشند، «ابن تیمیه» در رابطه با کار امیرالمؤمنین چه کار می‌کند! آیا او حاضر است از امیرالمؤمنین هم دفاع کند همانطور که از یزید هم دفاع کرده است یا حاضر نیست از امیرالمؤمنین دفاع کند؟! ان شاءالله به این بحث هم خواهیم رسید.

مجری:

استاد از شما بسیار متشکر و ممنونم. یکی از جنایاتی که یزید انجام داد، بحث آتش زدن خانه کعبه بود و جنایت دیگری که برای همه واضح و روشن است و همه آن را می‌دانند، شهادت مولا و آقایمان سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین است.

می‌خواهیم ببینیم نظر «ابن تیمیه» و طرفدارانش که از اعوان و انصار یزید و معاویه هستند نسبت به شهادت امام حسین به دستور یزید و اینکه بعد از آن هم اهل بیت عصمت و طهارت را به اسارت گرفتند، چیست؟!

موضوع: شهادت امام حسین و دفاع «ابن تیمیه» از یزید ملعون

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سؤالی پرسیدید که مغز و قلب انسان از شنیدن آن به درد می‌آید. در این خصوص نه بحث شیعه و نه بحث سنی است. بر فرض نستجیر بالله حضرت سیدالشهدا فرزند پیغمبر اکرم هم نبود، صحابه هم نبود، مسلمان هم نبود. اگر به یک انسان عادی این همه ظلم و جنایت کرده باشند، آیا ارزش دارد که یک انسان وجدان خود را زیر پا بگذارد و از قاتلین چنین شخصی دفاع کند؟

من تلاش می‌کنم بعضی از عبارات را از کتاب ایشان بخوانم تا سپس مردم را به قضاوت فرا بخوانیم. بنده از بینندگان عزیز مخصوصاً عزیزان اهل سنت تقاضا می‌کنم عبارت «ابن تیمیه» را ببینند و دفاعی که شبکه‌های شیطانی وهابی صهیونیستی از «ابن تیمیه» می‌کنند را ببینند و قضاوت کنند.

مجری:

وقتی که می‌خواهند اسم او را بیاورند «شیخ الإسلام» می‌گویند!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، آن‌ها او را «شیخ الإسلام»، «رحمه الله» و «رضوان الله» می‌دانند. اگر امام حسین به عنوان امام هم مطرح نشود، صحابی و فرزند پیغمبر اکرم بوده است. «ابن تیمیه» در کتاب «منهاج السنة النبویة» جلد چهارم صفحه ۵۳۰ می‌نویسد:

«ولم یکن فی الخروج لا مصلحة دین ولا مصلحة دنیا!»

در قیام امام حسین نه برای دین مصلحت بود و نه برای دنیا مصلحت بود!

«بل تمكن أولئك الظلمة الطغاة من سبط رسول الله»

بلکه باعث شد که سپاهیان یزید سبط پیغمبر اکرم را بکشند.

«فإن ما قصده من تحصيل الخیر ودفع الشر لم یحصل منه شیء»

آنچه امام حسین قصد کرده بود شر را برطرف کند و خیر را ایجاد کند، ایجاد نشد.

«بل زاد الشر بخروجه وقتله!»

بلکه شر با قیام امام حسین افزوده شد!

شر عظیمی درست شد و با کشته شدن امام حسین فتنه درست شد، همانطور که در قتل عثمان هم فتنه ایجاد شد.

ببینید کجا را دارد به کجا پیوند می زند؟!

«أن ما أمر به النبي من الصبر على جور الأئمة وترك قتلهم والخروج عليهم»

پیغمبر اکرم به ما دستور داده است تا در برابر جنایات خلفا و امامانتان صبر و تحمل کنید و قتال با آنها را کنار

بگذارید و در برابرشان قیام نکنید.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ٤، ص ٥٣٠، فصل قال الرافضي وتمادي بعضهم في

التعصب حتى اعتقد إمامة يزيد بن معاوية

این حرف او به این معناست که یزید جزء ائمه است و امام حسین طبق دستور پیغمبر اکرم باید هرگونه تعرض به یزید

و قیام در برابر یزید را کنار می گذاشت!

«ابن تیمیه» علناً از یزید دفاع می کند و او را به عنوان امام مسلمین معرفی می کند و امام حسین را سرزنش می کند که

در اینجا دچار اشتباه شده است!

از طرف دیگر در کتاب «مجموع الفتاوی» جلد چهارم صفحه ٤٨٦ نسبت به یزید می نویسد:

«وَأَمَّا قَتْلُ الْحُسَيْنِ فَلَمْ يَأْمُرْ بِهِ وَلَمْ يَرْضَ بِهِ»

اما در مورد کشته شدن حسین گفتنی است که یزید دستور نداده بود و اصلاً راضی به قتل ایشان نبود.

«بَلْ ظَهَرَ مِنْهُ التَّأَلُّمُ لِقَتْلِهِ»

بلکه یزید به خاطر کشته شدن امام حسین دردناک شد و درد و مصیبت خود را ظاهر کرد!

حال من نمی دانم که «ابن تیمیه» آن ها را از کجا آورده است! ما نمی دانیم طبق فرموده قرآن کریم:

(وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ)

و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می کنند.

سوره انعام (۶): آیه ۱۲۱

شیطان به او وحی کرده است یا خیر! «ظَهَرَ مِنْهُ التَّلَاثُ لِقَتْلِهِ» به این معناست که درد قلبی خود را اظهار کرد.

«وَدَّمَ مَنْ قَتَلَهُ»

و کسانی که امام حسین را کشته بودند هم مذمت کرد.

به گفته او «یزید»، «شمر بن ذی الجوشن» و «عبیدالله بن زیاد» را مذمت کرد که امام حسین را کشته اند. مذمت کردن چگونه است؟! آیا او تنها گفت که کار شما مبنی بر کشتن فرزند پیغمبر اکرم اشتباه بوده است؟! قتل فرزند پیغمبر اکرم است. قرآن کریم می فرماید:

(وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا)

و هر کسی فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند مجازات او دوزخ است که جاودانه در آن می ماند و خداوند بر او غضب می کند و از رحمتش او را دور می سازد و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است.

سوره نساء (۴): آیه ۹۳

آنها حضرت سیدالشهدا و هفتاد و دو تن از یاران آن بزرگوار را به شهادت رساندند. ما از «ابن تیمیه» می پرسیم که اگر یزید طبق دستور تو خلیفه ای از خلفا و امامی از ائمه است، باید تمام قاتلین امام حسین را قصاص می کرد. آیا او این کار

را انجام داد؟!

«وَلَمْ يَحْمَلْ الرَّأْسُ إِلَيْهِ»!

بردن سر امام حسین به شام نزد یزید دروغ است!

«وَإِنَّمَا حُمِلَ إِلَى ابْنِ زَيْدٍ»

الكتاب: مجموع الفتاوى، المؤلف: تقى الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی (المتوفى: ۷۲۸

هـ)، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة

النبوية، المملكة العربية السعودية، عام النشر: ۱۴۱۶ هـ/ ۱۹۹۵ م، ج ۴، ص ۴۸۶، فُضِّلَ: افْتَرَقَ النَّاسُ فِي " يَزِيدَ "

بْنِ مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ

دوستان عزیز مشاهده کنید که او چطور یزید بن معاویه را تطهیر می‌کند!! جالب این است که در کتاب «منهاج السنة

النبوية» جلد چهارم صفحه ۴۷۲ می‌گوید:

«إن یزید لم یأمر بقتل الحسین باتفاق أهل النقل»!

مورخین اتفاق نظر دارند بر اینکه یزید دستور قتل امام حسین را صادر نکرد!

ان شاء الله ما این جلسه و جلسه بعد لیستی از مورخین و شاگردان ایشان را می‌آوریم که یزید بن معاویه دستور قتل

امام حسین را صادر کردند.

کسانی که امام حسین را کشتند، می‌گویند که یزید به ما گفته است که ما کشتیم. «ابن تیمیه» هم می‌گوید چنین

حرفی دروغ است! او ادعا می‌کند که به اتفاق اهل نقل و مورخین یزید دستور قتل امام حسین را صادر نکرد.

«ولما بلغ ذلك یزید أظهر التوجع علی ذلك»

وقتی که خبر قتل امام حسین به یزید رسید، درد قلبی خود را اظهار کرد.

«وظهر البكاء فی داره»

و در خانه خود برای امام حسین گریه کرد!

«ولم يسب له حرима أصلاً»

اصلاً اهلبیت امام حسین را هم اسیر نکرد.

«بل أكرم أهل بيته!»

بلکه اهلبیت امام حسین را اکرام کرد!

اکرام کردن به چه معناست؟! آیا اکرام کردن به این معناست که بعد از کشته شدن از شام برای آنها هدایایی فرستاد و به اهلبیت جوایزی داد یا اهلبیت را دلداری داده باشد؟! یا آنها را به شام آورده بود که هواخوری و تفریحی داشته باشید؟! چقدر باید انسان بی‌وجدان باشد و شرف خود را زیر پا بگذارد؟!!

«بل أكرم أهل بيته وأجازهم حتى ردهم إلى بلدهم»

بلکه اهلبیت امام حسین را اکرام کرد، به آنها هدایا داد و آنها را به طرف شهرشان برگرداند.

«ولو قدر أن يزيد قتل الحسين لم يكن ذنب ابنه ذنباً له»

اگر یزید هم امام حسین را کشته است، ارتباطی به پدرش معاویه ندارد.

«فإن الله تعالى يقول (ولا تزر وازرة وزر أخرى) وقد اتفق الناس على»

ما هفته گذشته هم روایاتی از کتب اهل سنت آوردیم مبنی بر اینکه معاویه به زور از مردم برای یزید بیعت گرفت.

به تعبیر بعضی از بزرگان اهل سنت تمام جنایاتی که یزید در قتل امام حسین مرتکب شد، مرتبه اول به گردن معاویه است و سپس به گردن یزید و در مرتبه سوم به گردن «عبیدالله بن زیاد» است.

«أن معاوية رضى الله عنه وصى يزيد برعاية حق الحسين وتعظيم قدره!»

معاویه به یزید وصیت کرد که حق امام حسین را رعایت کند و به جایگاه او احترام بگذارد و او را اکرام کن!

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ٤، ص ٤٧٢، فصل إذا تبين هذا فيقال قول الرافضة من

أفسد الأقوال وأشدها

ما نمی دانیم «وصی یزید برعایة حق الحسین» کجا بود و چطور بوده است. ما نمی دانیم قضیه چیست. باید طرفداران یزید و طرفداران «ابن تیمیه» به ما جواب بدهند.

البته در اینجا هم شاگرد ایشان «ابن کثیر دمشقی» در کتاب «البدایة و النهایة» جلد هشتم صفحه ٢٣٢ می گوید:

«فاما قتل الحسین فانه كما قال جده سفيان يوم أحد لم يأمر بذلك»

خیلی جالب است که این آقایان می گویند: اگر کسی معتقد باشد که پیغمبر اکرم علم غیب دارد، ما او را کمتر از الاغ می دانیم!

«فاما قتل الحسین فانه كما قال جده سفيان يوم أحد»

ابوسفیان در جنگ احد ماجرای قتل امام حسین در کربلا را اعلام کرده بود.

«لم يأمر بذلك ولم يسؤه وقد قدمنا أنه قال لو كنت أنا لم أفعل معه ما فعله ابن مرجانة يعني عبید الله بن زیاد»

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف - بیروت،

ج ٨، ص ٢٣٢، باب وهذه ترجمة یزید بن معاوية

ملاحظه کنید ملاحظه کنید که جنگ احد سال سوم و چهارم هجری بود، اما کربلا سال ٦١ هجری بود. ابوسفیان ملحد و کافر که به جنگ با اسلام آمده بود، ٥٧ سال قبل خبر داشت که در کربلا چه اتفاقی می افتد!

بنده بازهم از کتاب «البدایة و النهایة» جلد چهارم مطلبی را می آورم. ایشان می گوید: در روز جنگ احد ابوسفیان و

اطرافیان او شروع به شعار دادن کردند: «لنا العزى و لا عزى لكم» پیغمبر اکرم فرمودند: جواب آنها را بدهید. اصحاب

عرضه داشتند: چه بگوییم؟ حضرت فرمود:

«الله مولانا ولا مولی لکم»

ابوسفیان گفت:

«یوم بیوم بدر والحرب سجال»

این انتقام روز بدر است و پیروزی و شکست در گردش است.

«وتجدون مثلة لم آمر بها ولم تسؤنی»

در آینده فرزندان پیغمبر اکرم را قطعه قطعه می‌کنند، نه من به این کار دستور دادم و نه ناراحت می‌شوم.

او خبر می‌دهد که در آینده قطعه قطعه شدن‌هایی خواهید دید که نه من به این کار دستور دادم و نه از این کار ناراحتم!

«ابن کثیر دمشقی» می‌گوید: ابوسفیان در جنگ احد این قضیه را پیش‌بینی می‌کرد و این مسئله را روشن کرد.

او بازهم در صفحه ۳۸۴ همین قضایا را مطرح می‌کند و می‌گوید که پیغمبر اکرم در جمع صحابه «ابن ابی قحافه» و

«عمر بن خطاب» را صدا زدند، اما آن‌ها هیچ جوابی ندادند. ابوسفیان گفت:

«أما هؤلاء فقد قتلوا»

الحمدلله همه کشته شدند.

ابوسفیان می‌گوید:

«وتجدون مثلة لم آمر بها ولم تسؤنی»

بدانید که در آینده از فرزندان شما قطعه قطعه می‌شوند، من به این کار دستور ندادم و ناراحت هم نمی‌شوم. او در جنگ

شعار می‌داد:

«أعل هبل أعل هبل»

پیغمبر اکرم هم به اصحاب دستور داد که بگویند:

«الله أعلى و أجل»

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف - بيروت،

ج ٤، ص ٢٥ - ٢٦، فصل قال ابن اسحاق ثم أنزل الله نصره على المسلمين وصدقهم

«ابن كثير دمشقي» در جلد يازدهم می گوید:

«فاما قتل الحسين فانه كما قال جده سفیان يوم أحد لم يأمر بذلك!»!

او ادعا می کند که جد او ابوسفیان دستور چنین قتلی را نداده بود!

مجری:

استاد از شما خیلی ممنونم. من نگاهی به پیامها داشته باشم و ان شاءالله ده دقیقه ای که از برنامه باقی مانده است سؤال دیگری خدمت شما مطرح خواهم کرد.

بخشی از پیامک های بینندگان برنامه:

آقای شریفی از ماسال سلام فرستادند و از حضرتعالی تشکر کردند که از ایشان ممنونیم.

محمد و رضا از دهکویه لارستان پیام فرستادند. از این عزیزان و بزرگواران هم ممنون و سپاسگزار هستیم که برای دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت» و برای اعتلای اسلام ناب محمدی آرزوی سلامتی کردند و برای شیعیان مرتضی علی دعا کردند.

علی قائینی از مشهد هم پیام دادند و دلگویه ای داشتند.

آقا رضا از کارزین مثل همیشه همراه هستند و گفتند: آنکس که علی دارد چه ندارد و آنکس که علی ندارد چه دارد!

خانم موسی نژاد هم از رشت برای ما پیام فرستادند که از ایشان هم ممنون و سپاسگزار هستیم. پیام شما هم به دست ما رسید.

آقا حیدر عزیزمان از آلمان سؤالی را مطرح کردند. استاد می‌خواهید من سؤال ایشان را بخوانم و ادامه مباحث خود را برای برنامه‌های بعد بگذاریم!؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بفرمایید.

مجری:

ایشان گفتند: در فضای مجازی وهابیون می‌گویند که در زمان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) بت پرست‌ها خدا را قبول داشتند، اما بت‌ها را واسطه قرار می‌دادند. همانطور که شما شیعیان مقبره‌های امامان را واسطه قرار می‌دهید.

ایشان در ادامه گفتند: اطلاعات من کم است و نمی‌توانم جواب درستی بدهم. لطف کنید به من پاسخ بدهید.

بنده یک یا دو پیام دیگر بخوانم و ان‌شاءالله سپس در خدمت حضرتعالی هستیم و پاسخ بفرمایید.

عزیز دیگری گفتند: من موسی حسن‌زاده از بندر انزلی مسیحی هستم. پای «شبکه جهانی ولایت» هستم. الآن از عدالت علی بگوئید.

ما ان‌شاءالله این درخواست شما را برای شب‌های جمعه می‌گذاریم که برنامه «اخلاق علوی» هست و در آنجا از عدالت مولا امیرالمؤمنین هم برای شما می‌گوییم.

ان‌شاءالله پنجشنبه شب‌ها از ساعت هشت تا نه و نیم برنامه «اخلاق علوی» را ملاحظه بفرمایید. ما در آن برنامه از عدالت مولا هم بیشتر صحبت خواهیم کرد.

آقای نوری از زاهدان هم سلام فرستادند و تشکر کردند. جناب استاد پاسخ سؤال این عزیز را بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با آیه شریفه سوم از سوره زمر که از قول مشرکین قرآن نقل می‌کند که آن‌ها می‌گفتند:

(ما نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى)

این‌ها را نمی‌پرستیم مگر به خاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک کنند.

سوره زمر (۳۹): آیه ۳

اولاً در همین جا مشاهده کنید که «شوکانی» در تفسیر آیه (ما نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى) می‌نویسد: ما بت‌ها را عبادت می‌کنیم تا واسطه بین خدای بزرگ باشد.

آیا در تمام کره زمین شیعه‌ای سراغ دارید که بگوید من امام حسین یا پیغمبر اکرم یا امام رضا را عبادت می‌کنم تا واسطه من بین خدا باشد؟!

اصلاً این آیه جواب این افراد را می‌دهد. بسیار واضح و روشن است. همچنین «قرطبی» یکی از علمای بزرگ اهل سنت در کتاب «الجامع لأحكام القرآن» جلد اول ذیل همین آیه مطلبی بیان می‌کند.

من نمی‌گویم که شما کتاب «کافی» اثر «کلینی» یا «تهذیب» اثر «شیخ صدوق» و «وسائل الشیعه» را مشاهده کنید، بلکه این کتب که متعلق به اهل سنت است را مشاهده کنید.

کتاب «قرطبی» هم عصاره شش قرن تفسیر اهل سنت است. او آیه شریفه (ما نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى) را می‌آورد و می‌گوید:

«ما معنی عبادتکم الأصنام»

به آن‌ها گفتند چرا بت‌ها را عبادت می‌کنید؟

«قالوا ليقربونا إلى الله زلفى ويشفوا لنا عنده»

گفتند: ما بت‌ها را عبادت می‌کنیم تا نزد خداوند عالم برای ما شفاعت کنند.

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار النشر: دار الشعب -

القاهرة، ج ۱۵، ص ۲۳۳، باب الزمر: (۱) تنزيل الكتاب من

ایشان جواب خودشان را با این آیه دادند.

مجری:

بت‌ها را عبادت می‌کردند، حال آنکه عبادت تنها مختص خداوند است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله. آن‌ها معتقد بودند که خدایی در آسمان است و سیصد و شصت خدای دیگر در اطراف ما هستند. «طبری» در «تفسیر طبری» جلد بیست و سوم صفحه ۱۹۱ می‌گوید:

«ما نعبدکم أیها الآلهة إلا لتقربونا إلى الله زلفی قربة ومنزلة وتشفعوا لنا عنده فی حاجاتنا»

ای خدایان ما اگر ما شما را عبادت می‌کنیم برای این است که شما ما را نزد خداوند شفاعت کنید و از خداوند برای ما حاجت بخواهید.

جامع البیان عن تأویل آی القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جریر بن یزید بن خالد الطبری أبو جعفر، دار النشر:

دار الفکر - بیروت - ۱۴۰۵، ج ۲۳، ص ۱۹۱، باب الزمر: (۱ - ۲) تنزيل الكتاب من

این کتاب شیعه نیست بلکه «تفسیر طبری» است که امام، خدا و پیغمبر شما «ابن تیمیه»! در کتاب «منهاج السنة النبویة» جلد هفتم صفحه ۱۷۹ معتقد است که «تفسیر طبری» و «تفسیر ابن ابی حاتم» از تفاسیری است که در نقل روایات معتبر هستند.

«جمیل صدقی زهاوی» یکی از علمای بزرگ بغداد در کتاب «الفجر الصادق» خیلی واضح می‌نویسد:

«إن المشرکین جعلوا الأصنام آلهة»

مشرکین بت‌ها را خدا تصور می‌کردند.

«والمسلمون ما اعتقدوا إلا إلهاً واحداً»

و مسلمانان معتقد به خدای واحد هستند.

«فَعندهم أن الأنبياء أنبياء و الأولياء أولياء ليس إلا»

مسلمانان پیغمبر و اولیاء را از انبیاء خداوند تصور می‌کنند.

«فلم يتخذوهم آلهة مثل المشركين»

مسلمانان پیغمبر را همانند مشرکین خدا قرار ندادند.

الفجر الصادق، نویسنده: جمیل صدقی الزهاوی، وفات: ۱۳۵۴، رده: پاسخ علمای مسلمان به وهابیان و مخالفان،

خطی: خیر، سال چاپ: ۱۹۸۴ م، ناشر: مکتبه اشیق - استانبول - ترکیه، ص ۴۹، باب الوهابیة ونفیها التوسل

این عالم سنی است که به این شبهه پاسخ داده است. در این زمینه حرف برای گفتن بسیار است، اگر ایشان سؤال دیگر دارند من در خدمت ایشان هستم.

مجری:

استاد از شما بسیار ممنونم، سؤال ایشان را پاسخ دادید. در مورد عدالت امیرالمؤمنین هم یک جمله کوتاه بفرمایید تا بقیه بحث را در برنامه «اخلاق علوی» بیان کنیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

پیغمبر اکرم فرمود:

«كَفَى وَ كَفُّ عَلَى فِي الْعَدْلِ سَوَاء»

دست من با دست علی در عدالت یکسان است.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۴۰، ص ۱۱۹، ح

مراد از فرمایش پیغمبر اکرم این است همانگونه که من عدالت را پیاده می‌کنم، فقط علی است که مثل من عدالت را پیاده می‌کند.

بنا به نقل مشهور امیرالمؤمنین می‌فرماید: اگر نستجیر بالله حسن و حسینم روزی دزدی کنند، دستشان را قطع می‌کنم و حکم درباره آن‌ها جاری است. برای امیرالمؤمنین به هیچ وجه بی‌عدالتی مطرح نیست.

طبق نامه‌ای که حضرت به «عثمان بن حنیف» می‌نویسد که ما آن را در برنامه «اخلاق علوی» مطرح کردیم، فرماندار و استاندار امیرالمؤمنین نه دزدی کرده است، نه حقوق نجومی داشته است و نه رانت‌خواری کرده است؛ بلکه در مهمانی ثروتمندان شرکت کرده است.

مشاهده کنید امیرالمؤمنین چطور او را مورد عتاب و خطاب قرار می‌دهد. حضرت در فرازی از این نامه می‌فرماید:

«تُسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ وَ تُنْقَلُ إِلَيْكَ الْجِفَانُ»

با غذاهای رنگارنگ و ظرف‌هایی پر از طعام که به سویت آورده می‌شده پذیراییت کرده‌اند.

«وَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَيَّ طَعَامٍ قَوْمٍ غَائِلُهُمْ مَجْفُوفٌ وَ غَنِيَهُمْ مَدْعُو»

گمان نمی‌کردم مهمان شدن به سفره قومی را قبول کنی که محتاجشان را به جفا می‌رانند و توانگرشان را به مهمانی می‌خوانند.

«أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَفْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ»

آگاه باش که هر مأمومی را امامی است که به او اقتدا می‌کند و از نور علمش بهره می‌گیرد.

«أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ وَ مِنْ طَعْمِهِ بِقُرْصِيهِ»

آگاه باش امام شما از تمام دنیایش به دو جامه کهنه و از خوراکش به دو قرص نان قناعت نموده است.

«أَأَقْنَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يَقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَا أُشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ أَوْ أَكُونَ أُسْوَةً لَهُمْ فِي جُشُوبَةِ

الْعَيْشِ»

آیا به این قناعت کنم که به من امیر مؤمنان گفته شود، (و دستت مرا بیوسند) ولی در سختی‌های روزگار با آنان شریک نباشم یا در تلخی‌های زندگی الگوشان محسوب نشوم.

«و لَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَلَا عَهْدَ لَهُ بِالشُّبُعِ»

شاید در حجاز یا یمامه کسی زندگی کند که برای او امیدی به یک قرص نان نیست و سیری شکم را به یاد نداشته باشد.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۴۱۶، خ ۴۵

این مطالب درسی برای همه حاکمان ما و مسئولین نظام جمهوری اسلامی و مسئولین دیگر کشورهای اسلامی است، زیرا سخن علی بن ابی طالب تنها سخن شیعه نیست بلکه سخن تمام مسلمانان جهان است.

مجری:

استاد از شما بسیار ممنونم، بسیار عالی این دو سؤالی که مطرح شده بود را پاسخ فرمودید. برای ما و در حق همه دوستان خوب بیننده دعا کنید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خدایا تو را به آبروی حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) سوگند می‌دهیم فرج مولای ما امام زمان را نزدیک بگردان. خدایا رفع گرفتاری از گرفتاران بنما. فتنه‌ها را از همه کشورها مخصوصاً کشور جمهوری اسلامی برطرف ساز. خدایا به آبروی امیرالمؤمنین در هرکجای دنیا فتنه‌گرانی که فتنه می‌کنند و انسان‌ها را در آتش فتنه گرفتار می‌کنند، فتنه فتنه‌گران را به خودشان برگردان. خدایا فتنه‌گران را در آتش فتنه قبل از آنکه دیگر انسان‌ها گرفتار شوند، گرفتارشان بگردان. خدایا به آبروی امیرالمؤمنین حوائج ما، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج من حقیر، حوائج بینندگان عزیز به ویژه ولایت یاوران گرامی را برآورده نما. خدایا به آبروی امیرالمؤمنین دعاهای ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

دوستان خوب بیننده و همراهان ارجمند برنامه زنده «حبل المتین» به لحظات پایانی برنامه رسیدیم و وقت جدایی و خداحافظی است. ما را دعا کنید و ما هم قول می‌دهیم شما را از دعای خیر فراموش نکنیم. در پناه حضرت حق و زیر سایه حضرت مرتضی علی باشید.

یا علی مدد، خدانگهدار.